**بخشی از متن کتاب:  
دیگر به یکدیگر نگاه نمی‌کنند، دیگر حرف نمی‌زنند، اما اهمیت چندانی ندارد، قبلا چیزهایی را که باید بگویند گفته‌اند و دیگر نیازی به ادای کلمات نیست. هر کدام احساس همدردی و دلسوزی نسبت به طرف دیگر و برای خود دارد، برای این سرِ بی‌مو، برای این صورتِ بی‌دندان. نمی‌دانند که در کدام نقطه‌ای از زندگی همدیگر را خواهند یافت، در کهنسالی یا در تولدی تازه. در هر حال، زمان، دیگر چنین چیزی نمی‌گوید. آیا برای رسیدن به این هسته‌ی اشتراکی که ما را آشتی می‌دهد و به هم نزدیک می‌کند، یعنی کوچکترین مخرج مشترک بشریت به اندازه کافی از هر پیرایه‌ای عاری شده‌ایم؟ آیا از تمام نقاب‌هایی که بر چهره می‌گذاریم و خود را بزک می‌کنیم رها شده‌ایم؟ مگر غیر از این است که انسان‌ها در برابر بیماری‌ها یکسانند؟ آیا مرگ ثروتمندان آسان‌تر از مرگ بینوایان است؟**

**لینک خرید کتاب با ۲۰درصد تخفیف:**[**http://roshangaran-pub.ir/bookshow/B650415598**](http://roshangaran-pub.ir/bookshow/B650415598)